

شیخ الرئیس ابن سینا بلخی

طبقه بندی علوم فلسفی

طبقه بندی ابن سینا: فیلسوف ما علوم را نخست بدو بخش کلی تقسیم کرده است: نخست علوم می که در تمام ادوار مورد حاجت نیست بلکه در قسمی از زمان بر سر کار است و بعد از میان میرود و یا آنکه حاجت بدان در برهه بی از زمان معدوم و بعد از آن موجود است دوم آنکه در تمام ادوار بیک حال موجود است یعنی احکام آن موقت و زائل و معتبر در زمان معین محدود نیست. و این علم حکمت است، (۱۷) این تقسیم ابن سینا، پس از وی مورد قبول جمعی از محققان قرار گرفت؛ چنانکه قطب الدین شیرازی نظر به گفتار او داشته آنجا که گوید: «... علم اعنی صناعاتی که لابد باشد در آن از مزاولت نظری، تقسیم است بدو قسم: یکی آنکه نسبت آن با جمیع از منہ و جمله امم نسبتی واحد باشد و به تغییر امکانه و از منہ و تبدل ملل و دول متبدل نشود چون علم هیات افلاک و علم حساب و علم اخلاق و یکی آنکه نسبت او با جمیع از منہ و جمله امم بیک نسبت نباشد چون علم فقه شریعتی از شرایط کئی زمانی محفوظ ماند به نسبت با اشخاص معین و آنگاه متبدل شود و چون علم به لغتی از لغات چه آن علم باشد بقیاس با اصعب آن لغت دون غیر هم این قسم را حکمت نخواهند و اولین را حکمت خواهند...» (۱۸) ابن خلدون نیز علوم بشری را بر دو قسم میدانند نخست علوم می که برای بشر طبیعی است و فکرش او را بدان رهبری میکنند و دوم علوم نقلی است که از واضع و پدیدآورنده اش اخذ میشود و قسم نخست را علوم فلسفی خواهند و قسم دوم را علوم نقلیه وضعیه

(۱۷) المطلق المشرقیین ص ۵-۸ ج قاهره سال ۱۳۲۸ بحواله تار بیت علوم عقلی

در تمدن اسلامی ص ۲۷۱ ج ۱ تهران

(۱۸) درة التاج لغرة الدجاج تهران

گو بندو آدمی میتواند از راه فکر خویش، بر علوم فلسفی وقوف حاصل کند، و از روی مدارک بشری به موضوعات مسائل واقسام برا همین آنها راه یابد. پس از آنجا که آدمی موجود متفکر است و ریشه علوم فلسفی نیز نیروی فکر اوست، این علوم اختصاص به ملت معین ندارد، بلکه مورد توجه و نظر تمام ملل است. (۱۹) و از آنرو که علوم فلسفی بنا بقیده فرزانگان اسلام، تابع تبدل و تغیر از زمان ادیان و ملل نیست و احکامش در هر زمان و مکانی قابل تطبیق است به علوم حقیقیه، مسمی شده است (۲۰).

پس ابن سینا فلسفه را به اساس موضوع طبقه بندی کرده است، و موضوع فلسفه در نظر دوم عبارت از تمام موجودات است و هدف فلسفه آن است که از حقائق آنها بحث و گفتگو کند (۲۱) چون اشیاء بطور کلی بر دو نوع است، اول بد فلسفه هم بدو قسم متمایز منقسم میشود چنانکه خود ابن سینا گوید: «هر علمی را چیزی هست که اندر آن علم از حال وی آگاهی جویند، و چیزها دو گونه است: یکی آنست که هستی وی بفعل ماست، و یکی آنست که هستی وی نه بفعل ماست مثال نخستین کردارهای ما و مثال دوم زمین و آسمان و حیوان و نبات. پس علمهای حکمت دو گونه بودند: گونه ای آن بود که از حال کنش ما آگاهی دهد و این را علم عملی خوانند، زیرا که فایده وی آنست که بدانیم که ما را چه باید کرد تا کار این جهان را ما ساخته باشیم و کار آن جهان را امیدوار بود. و دیگر آن بود که از حال هستی چیزها ما را آگاهی دهد تا جان ما صورت خویش بیابد و نیکی بخت آن جهان را بود. و این را علم نظری خوانند. (۲۲) ابن سینا پس از تقسیم فلسفه بدو شعبه بزرگ نظری و عملی هر یک را بسه قسم اصلی طبقه بندی کرده است و اقسام سه دانه حکمت نظری در نزد او عبارت است از: (۱) علم اسفل (علم طبیعی = علم زیرین) (۲) علم اوسط (علم ریاضی = علم میانگین) (۳) علم اعلی (علم الهی = علم برین) و وجه حصر حکمت نظری را بسه قسم میندکند چنین

(۱۹) مقدمه ابن خلدون ص ۲۵۸ و ۲۸۴ چ مطبعه از هر به مصر به ۱۳۱۱ هـ

(۲۰) کشف الظنون ص ۹۰ چ ترکیه - شرح مصطلح الا نوار ص ۶ چ ایران

(۲۱) تالیقه ملا صدرا بر الهیات شفا ص ۲ چ ایران

(۲۲) الهیات دانشنامه علانی ص ۱ چ تهران ۱۳۳۱ ش. سی ۱۳۷۱ فوری

بیان داشته : اشیاء بیکیه در حکمت نظری ، از آن بحث بعمل میآید، از سه قسم بیرون نیست : یا امور است که در تصور و وجود خود به ماده جسمانی و حرکت تعلق دارد اما نند اجرام فلکی ، عناصر و جزی آن زیرا از یکسو وجود خار جی این امور به ماده متصل و مقترن است و از سوی دیگر آدمی نمی تواند بدون در نظر گرفتن ماده معینی آنها را تصور و تعقل کند یا امور است که در وجود خار جی خود به ماده نیازمند است اما آدمی میتواند آنها را جدا از ماده تصور کند مانند مثلثی ، مربعی ، کردی درازی و نظایر آن چه مثلث و مربع و مثلاً اگر چه جز در ماده وجود پیدا نمیکنند ولی میتوان آنها را بی ماد تصور کرد و درو هم آورد و دسته سوم اشیائی است که درو وجود و تصور خویش به ماده و جنبش نیازمند نیست مانند عقل و دستی ، وحدت و کثرت ، علت و معلول و هر چه بدین مانند از آنجا که مو جودات منحصر در اقسام سه گانه مذکور بود حکمت نظری بحسب آنها به سه قسم منقسم گردید پس علمیکه به قسم اول اختصاص دارد بنام علم طبیعی و علمیکه از احوال قسم دوم بحث میکند بنام علم ریاضی و علمیکه مختص به قسم سوم است بنام علم الهی خوانده میشود (۲۳)

باید گفت که بعضی از متاخران اصول حکمت نظری را چهار قسم دانسته اند بدین بیان موجوداتی را که در وجود عینی و ذهنی خود از اتصال و نزدیکی به ماده بی نیاز است ، بدو بخش کرده اند یکی مو جوداتی که قطعاً به ماده مقترن نیست مانند ذات حق و عقول و دیگر ! موری که گاهی بر مجردات عارض میشود و گاهی بر اجسام و تقارن این امور به ماده از راه احتیاج بدان نیست مانند وحدت و کثرت و سایر امور عامه پس علمیکه از احوال امور نخستین بحث میکنند به فلسفه الهی و علمیکه از احوال امور دوم گفتگو مینماید به علم کلی و فلسفه اولی نامبردار است (۲۴) ناگفته نماند که در میان این تقسیم و طبقه بندی این سینا تناقض نیست زیرا در تقسیمیکه آنفاً ذکر شد ، مو جوداتی که در وجود عینی و ذهنی خود از ماده بی نیاز است بدو بخش تقسیم شده است و علمیکه از احوال آنها گفتگو میکند نیز بدو قسم مستقل انقسام یافته در حالیکه این سینا علمی را که

(۲۳) مجموعه الرسائل : اقسام العلوم العقلية ص ۲۲۸ ج ۲ ص

(۲۴) المیزان ص ۱۱-۱۲ ج ۱

از احوال هر دو قسم مذکور بحث مینمایند یکی دانسته است ، شاید صاحبان تقسیم مذکور بدین گفتار فیلسوف مانظر داشته اند: موجوداتی که از مخالطت و آمیزش باماده بی نیاز است یا قطعا باماده آمیزش ندارد یا آنکه آمیزش جمعی از آنها باماده عرضی است نه اینکه ذات آنها در تحقق وجود خود به ماده نیازمند باشد و حکمتی که درباره اینگونه امور بحث می نماید فلسفه اولی است که فلسفه الهی جزئی از آن است ... (۲۵)

ابن سینا حکمت عملی را نیز سه دسته تقسیم کرده است چنانکه گوید: ... اما علم عملی سه گونه است: یکی علم تدبیر عام مردم، تا آن انبازی که ایشان را بدون نیاز است بر نظام بود، و این دو گونه است: یکی علم چگونگی شرایع، و دوم چگونگی سیاسات، و نخستین اصل است و دوم شاخ و خالیست

و اما علم دیگر علم تدبیر خانه است تا آن انبازی که اندر یک خانه اقتد زن و شوی را و پدر و فرزند را و خداوند ورهی را بر نظام بود و سوم علم خود است که مردم به نفس خویش چگونگی باید که بود.

پس چون حال مردم یا به تنهایی خویش بود یا بانبازی و انبازی باهم خانگان بود یا به شهریان، لاجرم علم عملی سه گونه بود: یکی علم تدبیر شهر، دیگر علم تدبیر خانه و سوم علم تدبیر خود (۲۶) بعضی دیگر از حکماء متأخر حکمت عملی را نیز مانند حکمت نظری بچهار قسم تقسیم کرده اند بدین اعتبار که سیاسات مدنی را بدو بخش کرده اند: بخشی را که از امور کشور داری بحث میکنند بنام علم سیاسات و قسمتی را که از امور پیامبری و شریعت گفتگو مینمایند بنام علم نوامیس خوانده اند (۲۷) اما ابن سینا علم سیاسات را قسم مستقل قرار نداده بلکه آنرا فرع و علم چگونگی شرایع دانسته است. و بهر طرفه، از گفتار گذشته این نتیجه بدست آمد که ابن سینا فلسفه را نخست بدو شعبه کلی تقسیم کرد و سپس هر یکی را به سه قسم طبقه بندی نمود که مجموع آنها شش قسم میشود و هر کدام

(۲۵) نصح رسائل فی الحکمة و الطبیعیات: الطبیعیات من عبون الحکمة ص ۳ مصر ۱۲۲۶-۱۹۰۸

(۲۶) الهیات دانشنامه علانی ص ۲-۳

(۲۷) شرح حکمة العین ص ۵ چ قازان ۱۹۱۱ م

از اقسام حکمت نظری را بچند قسم دیگر تقسیم کرده است که اکنون در بیان آنها می پردازیم.

د موضوع این علم جسم محسوس است

اقسام حکمت طبیعی

از آن جهت که اندر جنبش افتند

و اندر گردش، و ورا پاره ها و کنارها بسیار است، (۲۸) ابن سینا پاره های این علم را بدو دسته تقسیم کرده است یکی پاره های اصلی و دیگر پاره های فرعی و پاره های اصلی آن به هشت علم انقسام یافته است:

(۱) علم سماع طبیعی (۲) علم سماء و عالم (۳) علم کون و فساد (۴) علم انار علوی (۵) علم معادن (۶) علم نبات (۷) علم حیوان (۸) علم نفس و کارهای فرعی حکمت طبیعی عبارت است از: علم طب، علم احکام نجوم، علم فراست، علم تعبیر، علم طلسمات، علم کیمیا، علم نیر نجات (۲۹) غزالی نیز همین تقسیم را در کتاب معروف خود تنها فت الفلا سفه (۳۰) با استفاده از نظر ابن سینا نقل کرده است. ابن رشد که اقوال او را در کتاب تنها فت التها فت جا بجا رد و نقد میکند گفتار غزالی را در باره اقسام حکمت طبیعی نیز مورد انتقاد قرار داده است، از آنجا که انتقاد او بطور غیر مستقیم به گفتار ابن سینا متوجه است مقسمتی از آنرا در اینجاست آوریم ان رشد گوید: ... آنچه را که غزالی از اجناس هشتگانه علم طبیعی شمرده است، صحیح و مطابق با آنچه از سبطواست اما علم را که وی در شمار فروع علم طبیعی آورده است، در سبب نیست، و طب از اقسام حکمت طبیعی نیست بلکه صنعتی است که مبادی آن را از علم طبیعی بدست می آورند و پس از علم طبیعی نظری است و طب عملی، گفتار ما در باره چیزیکه در میان دو علم مشترك است دارای دو جهت میباشد فی المثل راجع به صحت و مرض میتوان از دو جهت گفتگو کرد؛ بدین معنی که صاحب علم طبیعی در باره صحت و مرض از آن جهت بحث میکند که هر دو از اجناس موجودات طبیعی است و طبیب از آن جهت که یکی را حفظ کند و دیگری را از میان بردارد در باره آن دو گفتگو

(۲۸) الهیات دانشنامه علایی ص ۶

(۲۹) نسخ رسائل، الر رسالة الخامسة فر اقسام العلوم العقلية ص ۱۰۸ - ۱۱۱ ج مصر

(۳۰) تنها فت الفلا سفه ص ۲۲۰ - ۲۲۱ تحقیق سلیمان دنیا چاپ دوم - دار المعارف

مینماید یعنی صحت را از حیث حفظ آن و مرض را از جهت رفع آن مورد توجه قرار میدهد... (۳۱)

ابن سینا حکمت ریاضی را نیز بدو قسم
اقسام حکمت ریاضیه
 اصلی و فرعی تقسیم کرده است و اصول
 علم ریاضی عبارت از چهار علم است: (۱) علم عدد (۲) علم هندسه (۳) علم هیئت
 (۴) علم موسیقی و هر کدام از این چهار علم دارای فرعی است: علم جمع و تفریق
 و علم جبر و مقابله از فروع علم عدد است. علم مساحت، علم حیل، علم جراثقال،
 علم اوزان و موازین، علم آلات جزئیه، علم مناظر و مرایا و علم نقل میاه
 در شمار فروع علم هندسه است. علم زیجات و تقاویم از فروع علم هیات و علم
 آلات عجیب و شگفت انگیز از فروع علم موسیقی است (۳۲)

اقسام علم الهی
 علم الهی هم دارای اصول و فرعی
 است و اصول علم الهی پنج است:
 (۱) نظر در معرفت امور عامه مانند وحدت کثرت، علیت و معلولیت، قوت و فعل
 و هر چه بدان مانند (۲) نظر در اصول و مبادی علوم مانند علم طبیعی، ریاضی و علم منطق
 (۳) نظر در اثبات حق اول و توحید او (۴) نظر در اثبات جواهر روحانی (۵) نظر در
 کیفیت ارتباط امور منتهی به ارضیه بقوانین فعاله سیاره‌ها و فروع علم الهی دو قسم است:
 (۱) معرفت چگونگی نزول وحی و جواهر روحانیه ای که وحی را میرسانند و اینکه وحی
 چگونه ابلاغ میشود (۲) علم معاد که از مسائل مربوط به معاد بحث میکند (۳۳)
 ابن سینا پس از ذکر اقسام اصلی و فرعیه حکمت طبیعی، ریاضی و الهی
 در رساله اقسام العلوم العقلیه پاره‌های علم منطق را آورده است. چون را جمع
 به منطق در اینکه علم مستقل یا داخل در اقسام فلسفه است در میان حکمای

(۳۱) نهفت التها فت ص ۱۲۶، ج ۱ مطبوعه اعلامیه مصر ۱۳۰۲

(۳۲) تسع رسائل رساله اقسام العلوم العقلیه ص ۱۱۱-۱۱۲

(۳۳) ایضا ص ۱۱۲-۱۱۶. قرار معلوم ابن سینا در آغاز منطق کتاب حکمة المشرفین
 و مقدمه منطق کتاب شفا نیز به طبقه بندی علوم فلسفی پرداخته است. این دو کتاب
 تنها - همانند در موقع نگارش این مقالات در دست این ناتوان نبود تا هوارد استفاده قرار
 بگیرد

اسلام اختلاف وجود دارد و نگارنده آنجا که منطق را از نظر ابن سینا مورد بحث قرار دهد به ذکر اختلافات آنان و عقیدت ابن سینا در این باب خواهد پرداخت از بنویس برای رعایت اختصار در این مقالات از بیان اقسام منطق خودداری کرده ناگفته نماند که بعضی از متاخران برای حکمت عملی نیز فروعی ذکر کرده اند بدین بیان که علم اداب ملوک، علم آداب وزارت، علم احتساب و علم ترتیب مسا کر را از فروع حکمت عملی شمرده اند (۳۴)

وقتی که ما طبقه بندی ابن سینا را در پهلوی نفوذ و تاثیر طبقه بندی ابن سینا طبقه بندی اسلافش مورد مطالعه قرار میدهیم با اندک تا ملی درمی یابیم که تقسیم وی جامعتر و دقیقتر از تمام آنها است چه در دوره های پیشین که فلسفه فرمانروای کشور دانش بود و چون پادشاه نیز و مندی بر تمام فعالیت های ذهنی و فکری بشر حکومت میکرد و تمام علوم در حکم رعیت و اجزای او بودند هیچ دانشمندی نتوانست فلسفه را چنان جامع و دقیق طبقه بندی کند که هیچ جزئی از حدود و نفوذ آن بیرون نماند تا آنکه نوبت به ابن سینا رسید و او با دقت هر چه تمامتر به طبقه بندی فلسفه پرداخت و در این کار حتی بر استاد خود ارسطو فائق آمد چنانکه دانشمند مصری محمد لطفی جمعه پس از ذکر تقسیم ابن سینا در کتاب تاریخ فلاسفة الاسلام گوید: «... این طبقه بندی بر مقدار استفاده ابن سینا از کتب ارسطو برهان محکمی است و شخص خبیر از راه امعان در موافقات پور بلخ درمی یابد که شاگرد در فحوص و تحقیق علوم بر استاد خود فائق آمده است... و ارسطو در تقسیم خود، بدان دقت و وضوحی که در طبقه بندی ابن سینا مشهود است دست نیافته» (۳۵)

از خلال مطالعه آثار ابن سینا بر می آید که وی به طبقه بندی علوم فلسفی بسیار اهتمام داشته چه گذشته از آنکه در آغاز و مقدمه بعضی از تالیفات خود تقسیم علوم فلسفی را مورد بررسی قرار داده رساله مستقلی نیز در این باب بنام اقسام العلوم العقلیه یا اقسام الحکمة یا تقاسیم الحکمة (۳۶) تالیف کرده است و پس

(۳۴) رجوع کن به مفتاح السعادة ص ۳۳۹-۳۴۵ ج ۱ حیدرآباد دکن

(۳۵) تاریخ فلاسفة الاسلام ص ۵۶-۵۷ ج مصر

(۳۶) کف الظنون ص ۳۱۷ ج ۱ ترکیه

از او اخلافش در طبقه بندی فلسفه اساس کار خویش تقسیم ویرا قرار داد. بو یژه از همان رساله استفاده کردند، گاهی از آن کاستند و گاهی بر آن افزودند چنانکه خواه طوسی در رساله اقسام الحکمة خود به تحریر و تقریر آن پرداخت (۳۷) و طاش کبری زاده (متوفای ۹۶۲) در ضمن بیان تعریف علم تقاسیم العلوم - از آن رساله چنین یاد کرد: «ابن سینا در این علم تقاسیم العلوم - رساله لطیفی تألیف کرده است» (۳۸) و از اینکه این رساله به عربی و لاتینی ترجمه شده است تا حدی ما را به اهمیت و تاثیر آن ملتفت میسازد (۳۹) ناگفته نماند که طبقه بندی ابن سینا نه تنها مورد توجه اخلاف اسلام او قرار گرفت بلکه در روش طبقه بندی حکمای عصر مدرسی مسیحی نیز تاثير بسزاداشت چنانکه فولر در ضمن بیان طبقه بندی ابن سینا بدین حقیقت اعتراف میکند (۴۰) و همچنین دانشمند مصری حنا اسعد فهمی میگوید که فیلسوفان مدرسی در قرن سیزدهم علوم فلسفی را بر روش پوربلخ طبقه بندی میگرداند (۴۱).

محمد اسماعیل مباحث

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۳۷) فهرست کتابخانه اهدائی مشکوٰۃ ج ۳ ص ۱۵۴ چ تهران

(۳۸) مفتاح السعاده ج ۱ ص ۲۶۵ چ حیدرآباد دکن -

(۳۹) فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا ص ۴۱ - ۴۲ چ تهران

(۴۰) نیویارک P. 384 - A History of philosophy, Fuller B. A. G.

(۴۱) تاریخ الفلاسفه من اقدم عصورها الى الان ص ۱۵۸ چ مصر